

پانیوم - شماره پنج

غارتگران قوم تو: اوج‌گیری و سقوط روم در پیشگویی‌ها

Jeff Pippenger

2025-03-05

کتاب دانیال روایتی نبوی و شگفت‌انگیز را می‌گشاید و اصلی از «تکرار و گسترش» را می‌بافد که در سراسر رؤیاهای آن امتداد می‌یابد؛ از پیکره فلزی فصل ۲ تا کشاکش‌های پیچیده پادشاهان در فصل ۱۱. در این چارچوب، استدلالی قانع‌کننده پدیدار می‌شود: نبرد آکتیوم در ۳۱ پیش از میلاد، که به سقوط مصر در ۳۰ پیش از میلاد انجامید، به منزله تحقق محوری دانیال ۱۱:۲۵ و ۲۶ به‌شمار می‌آید و آغاز سلطه ۳۶۰ ساله روم بت‌پرست را رقم می‌زند.

باب ۱۱ دانیال با ظهور و سقوط امپراتوری‌ها پس از مرگ اسکندر کبیر در سال ۳۲۳ پیش از میلاد آغاز می‌شود. اما در آیه ۱۴، تغییری رخ می‌دهد. حدود سال ۲۰۰ پیش از میلاد، هنگامی که آنتیوخوس سوم (بزرگ) برای نبرد پانیوم علیه پادشاه خردسال، بطلمیوس پنجم، آماده می‌شد، روم دخالت کرد؛ نه صرفاً به‌عنوان تماشاگر، بلکه به‌منزله «غارتگران قوم تو». با نگرانی از تأمین گندم مصر در میانه آشوب‌های هلنیستی، روم طی جنگ دوم مقدونی (۲۰۰-۱۹۷ پیش از میلاد) اعمال نفوذ کرد و زمینه را برای نقش نبوی خود فراهم ساخت.

سلطه روم بر یهودیان

اگر به سال ۶۳ پیش از میلاد برویم، آیه ۱۶ هنگامی تحقق می‌یابد که پومپه با یورش به اورشلیم وارد قدس‌الاقداص می‌شود و حاکمیت روم را بر «سرزمین پرچال» اعلام می‌کند. از این‌جا، آیات ۱۷ تا ۲۲ رشته‌ای از رجال رومی را پی می‌گیرند: لشکرکشی‌های شرقی پومپه؛ فتوحات یولیوس سزار و ترورش در سال ۴۴ پیش از میلاد؛ فرمانروایی آگوستوس سزار که با اخذ مالیات همراه بود (طبق لوقا ۲:۱) و در سال ۱۴ میلادی پایان یافت؛ و تیبریوس که در سال ۳۱ میلادی، زمانی که «رئیس عهد» شکسته شد، در زمان او مسیح مصلوب شد. این سیر نبوتی که از پومپه در اورشلیم تا تیتوس در اورشلیم در سال ۷۰ میلادی امتداد می‌یابد، خط چیرگی روم بر قوم خدا را به تصویر می‌کشد.

از آغاز که یک سردار رومی هیکل را بی‌حرمت کرد تا پایانی که یک سردار رومی هیکل را ویران ساخت، امضای «آلفا و امگا» پدیدار می‌شود. این خط تاریخی که با بی‌حرمتی آغاز می‌شود و با ویرانی پایان می‌یابد، همچنین شامل بی‌حرمتی و نابودی آن کسی است که درباره خود گفت: «این هیکل را ویران کنید و من در سه روز آن را برپا خواهم کرد.» حقیقت از حرف اول، سیزدهم و آخر الفبای عبری ساخته شده است، و خطی که با پومپه آغاز و با تیتوس پایان می‌یابد، ویرانی میانی هیکل را نیز در بر دارد که با صلیب میانی از سه صلیبی نمایانده می‌شود که درست در نیمه هفته‌ای برافراشته شدند که مسیح آمد تا عهد را تأیید کند. آیات شانزده تا بیست‌ودو خطی نبوتی را باز می‌نمایانند که امضای حقیقت را با خود دارد. در دل تاریخی که این آیات باز می‌نمایانند، چند خط نبوتی مهم وجود دارد، اما مضمون اصلی این خط، چیرگی روم بر یهود است.

اتحادهای و معاهدات

آیه ۲۳ «تکرار و بسط می‌دهد» با بازگشت به سال‌های ۱۶۱ تا ۱۵۸ پیش از میلاد، زمانی که یهودیان تحت رهبری یهودای مگابی پیمانی با روم بستند (مکابیان اول ۸). این امر راهبرد منحصر به فرد امپراتوری‌سازی روم — فتح از طریق معاهدات و اتحادهای — را برجسته می‌کند، روشی متمایز از

پیشینیانش. آیه ۲۴ این مرحله را به پایان می‌رساند و یاد می‌کند که روم «تدابیر خود را از دژها پیش‌بینی خواهد کرد، حتی برای مدتی.»

و پس از آنکه عهدی با او بسته شود، او با نیرنگ عمل خواهد کرد؛ زیرا با گروهی اندک برخواید آمد و نیرومند خواهد شد. او به‌طور مسالمت‌آمیز حتی به پرنعمت‌ترین نواحی ایالت داخل خواهد شد؛ و کاری خواهد کرد که نه پدرانش و نه پدران پدرانش کرده‌اند؛ غنیمت و تاراج و ثروت را در میان آنان پراکنده خواهد کرد؛ بلی، و تا مدتی نقشه‌های خود را بر ضد دژهای مستحکم طرح خواهد نمود. دانیال ۱۱:۲۳، ۲۴.

برای مدتی

واژه ترجمه شده «علیه» را می‌توان به صورت «از» فهمید. رم نقشه‌هایش را «از» پیش می‌گوید. واژه «از» در آن آیه به شهر رم، قلب سیاسی و نظامی امپراتوری، به‌عنوان پایگاه راهبردهایش اشاره دارد. «زمان» به‌طور نبوی ۳۶۰ سال است که از هنگام سقوط مصر در ۳۰ پیش از میلاد، پس از آکتیوم، آغاز می‌شود و در سال ۳۳۰، وقتی کنستانتین رم را برای قسطنطنیه ترک می‌کند، پایان می‌یابد.

ابیات ۲۵ و ۲۶ بر خود آکتیوم متمرکز می‌شوند.

و او نیرو و دلاوری خود را با لشکری بزرگ بر ضد پادشاه جنوب برخواید انگیزت؛ و پادشاه جنوب نیز با لشکری بسیار عظیم و نیرومند برای جنگ برانگیخته خواهد شد؛ اما ایستادگی نخواهد کرد، زیرا بر ضد او نیرنگ‌ها خواهند اندیشید. آری، آنان که از سهم خوراک او می‌خورند، او را نابود خواهند کرد، و لشکرش درهم خواهد شکست، و بسیاری کشته بر زمین خواهند افتاد. دانیال ۱۱:۲۵، ۲۶.

در ۳۱ ق.م.، اکتاویان، در مقام نماینده روم به‌عنوان «پادشاه شمال»، نیروهای خود را علیه مصر کلئوپاترا، «پادشاه جنوب»، در نبرد دریایی سترگ بسیج کرد. سپاه «بسیار بزرگ و نیرومند» آنتونی و کلئوپاترا به سبب «تدابیر» راهبردی (تاکتیک‌های آگریپا)، خیانت‌ها و رویگردانی متحدان آنتونی، و عقب‌نشینی کلئوپاترا در میانه نبرد، از هم گسیخت. تا سال ۳۰ ق.م.، مصر به استانی رومی بدل شد و این امر سلطه بی‌رقیب روم بت‌پرست را آغاز کرد. این بازه ۳۶۰ ساله، از ۳۰ ق.م. تا ۳۳۰، با برتری روم که در دژ نخستین خود متمرکز بود، منطبق است، تا آن‌که دگرگونی کنستانتین آن دژ را «به زیر افکند»، چنان‌که دانیال ۸:۱۱ پیشگویی می‌کند.

آری، او خود را تا حد سرور سپاه برکشید، و به دست او قربانی روزانه از میان برداشته شد و جایگاه مقدس او به زیر افکنده شد. دانیال ۸:۱۱.

وقتی کنستانتین شهر روم را به سود شهر قسطنطنیه کنار گذاشت، در شهر روم خلأ قدرتی بر جای گذاشت تا کلیسای پاپی جایگاه اقتداری را که شهر روم نماد آن بود به دست گیرد. این اقدام آیه دوم باب سیزدهم مکاشفه را محقق کرد.

و آن وحشی که دیدم شبیه پلنگ بود، پاهایش مانند پاهای خرس و دهانش مانند دهان شیر بود؛ و از دژها قدرت خود، تخت خود و اقتداری عظیم به او داد. مکاشفه ۱۳:۲.

در دانیال ۸، دو واژه متفاوت عبری — که هر دو به «قدس» ترجمه می‌شوند — داستان مربوط به قدس را در کتاب دانیال متمایز می‌کنند. کتاب دانیال جنگی میان مسیح و شیطان را، چنان‌که در نمایندگان زمینی مسیح و شیطان تصویر شده، بازنمایی می‌کند. بابل، نماینده زمینی شیطان، در آغاز کتاب دانیال اورشلیم را فتح می‌کند، و اورشلیم در آیه چهل‌وپنج باب یازدهم بابل را فتح می‌کند. پادشاهی‌هایی که شهرهای اورشلیم و بابل نمایندگی‌شان می‌کنند «قدس حصین» اند. شهرهای بابل

و اورشلیم هر دو «قدس حصین» اند و هر دو معبد خود را در درون شهر دارند. معبد پانتئون در شهر روم قرار دارد، و معبد اورشلیم همتای آن در روایت نبوی است. بابل و شهر روم نسخه‌های بدلی اورشلیم‌اند.

در دانیال ۸، دو واژه عبری عبارت‌اند از «miqdash» در آیه ۱۱، جایی که شاخ کوچک (روم بت‌پرست) «مقرّ قدسگاه او» را فرو می‌افکند (شهر روم)، وقتی که کنستانتین در سال ۳۳۰ پایتخت را منتقل می‌کند. واژه دیگر «qodesh» در آیات ۱۳ و ۱۴ است، جایی که قدسگاه خدا پس از ۲۳۰۰ روز در انتظار تطهیر است. هرچند هر دو واژه به «قدسگاه» ترجمه می‌شوند، «miqdash» می‌تواند هم به دژ خدا و هم به دژ بت‌پرستان اطلاق شود، حال آنکه «qodesh» در کتاب مقدس فقط برای قدسگاه خدا به کار می‌رود.

در دانیال ۱۱:۳۱، "قدس حصین" (شهر رم) آلوده می‌شود، زیرا بربرها و وندال‌ها جنگ را به شهر رم می‌آورند. "قوای نظامی" در این آیه از کلوویس در سال ۴۹۶ آغاز شد و تا زمانی ادامه یافت که روم پاپی تا سال ۵۳۸ کاملاً مسلط شد؛ زمانی که اوستروگوت‌ها از شهر رم اخراج شدند.

خط پیشگویی از آکتیوم فراتر از ۳۳۰ امتداد می‌یابد. «کشتی‌های کیتیم» در آیه ۳۰ وندال‌ها به رهبری گایسریک را مشخص می‌کند، که در سال ۴۵۵ رم را غارت کردند و این نشانه فروپاشی روم غربی بود. سپس روم پاپی برمی‌خیزد و از ۵۳۸ تا ۱۷۹۸ حکومت می‌کند؛ به مدت ۱۲۶۰ سال، تا زمانی که ژنرال برتیه ناپلئون با دستگیری پیوس ششم «زخم مهلک» را وارد کرد. ۳۶۰ سال روم بت‌پرست، از ۳۰ پیش از میلاد تا ۳۳۰، متناظر با ۱۲۶۰ سال روم پاپی است؛ هر دو زمانی آغاز می‌شوند که سومین مانع (مصر، اوستروگوت‌ها) فرو می‌افتد.

«پادشاه شمال» مدرن در آیه ۴۰ پدیدار می‌شود. در سال ۱۹۸۹، پاپیت که به‌طور پنهانی با ایالات متحده دوره ریگان متحد است (که با ارابه‌ها، کشتی‌ها و سواران نمادپردازی شده است)، اتحاد جماهیر شوروی، «پادشاه جنوب» (بی‌خدایی/کمونیسم) را سرنگون می‌کند. آیه ۴۱ پاپیت را در حال فتح «سرزمین باشکوه» نشان می‌دهد - با تبدیل کردن ایالات متحده پروتستان به ایالات متحده کاتولیک - در حالی که آیات ۴۲ و ۴۳ سازمان ملل متحد را، که مصر نماینده آن است، در حال تسلیم شدن در برابر اتحادی سه‌گانه شامل سازمان ملل متحد (اژدها)، واتیکان (وحش) و ایالات متحده (نبی کاذب) نشان می‌دهند که جهان را به سوی آرماگدون سوق می‌دهد. آیه ۴۵ پایان این قدرت را پیشگویی می‌کند، «بی‌آنکه یآوری باشد»، زخمش در آیه چهل و یک التیام یافته، اما سرنوشتش به‌وسیله آیه چهل و پنج مهر می‌شود.

آکتیوم در سال ۳۱ پیش از میلاد محور آیات ۲۵ و ۲۶ است و حکومت ۳۶۰ ساله روم را از دژ مقدسش آغاز می‌کند. یا در نظر گرفتن آیه چهارده به‌عنوان تذکر، داستان روم بت‌پرست از آیه شانزده تا گذار به روم پاپی در آیه سی‌ویک، خط سیر کامل روم بت‌پرست است. آن خط به سه بخش تقسیم می‌شود. آیات شانزده تا بیست‌ودو خط سیطره روم بر اسرائیل باستان است. آیات بیست‌وسه و بیست‌وچهار آن کار امپراتوری‌سازی را مشخص می‌کند که روم هنگام فتح از طریق اتحادها و معاهدات در کنار قدرت نظامی به‌کار می‌گرفت. از آیه بیست‌وچهار تا آخرین عبارت در آیه سی‌ویک خطی دوبخشی است که نمایانگر دوره‌ای است که در آن روم خود را برافراشت و پس از آن سقوط کرد.

«زمان مقرر» پایان ۳۶۰ سال در سال ۳۳۰ است. آیات ۲۷ تا آخرین عبارت آیه ۳۱—که مشخص می‌کند قدرت پاپی، که به‌عنوان «رجاست ویرانگر» نمایانده شده، در سال ۵۳۸ بر تخت نشانده شد—تاریخ روم بت‌پرست را در چارچوب دوره‌ای از ۳۶۰ سال فرمانروایی مطلق بازگو می‌کند که سپس با ۲۰۸ سال افولی تدریجی دنبال می‌شود.

پس «زمان» آیه بیست و چهارم در سال ۳۱ پیش از میلاد آغاز می‌شود، با افزودن پادشاه جنوب به قلمرو پادشاه شمال، و در سال ۳۳۰ میلادی با تقسیم قلمرو پادشاه شمال به شرق و غرب پایان می‌یابد. از ۳۳۰ تا ۵۳۸ میلادی، روم بت‌پرست به تدریج از هم فرو می‌پاشد. نشانه‌های نبوی گوناگونی که با گام‌های مختلف زوال روم بت‌پرست پیوند دارند، لنگرهای نبوی‌ای هستند که به شاگرد نبوت امکان می‌دهند کلام نبوی خدا را تشخیص دهد. در تحقق آیه چهاردهم دانیال یازده، روم رؤیا را استوار می‌سازد، و یکی از راه‌هایی که دقیقاً همین کار را انجام می‌دهد، از طریق سقوط خودش است. آیه می‌گوید: «و نیز غارتگران قوم تو برای استوار ساختن رؤیا خود را بلند خواهند کرد؛ اما خواهند افتاد.»

وقتی روم به وسیله کشتی‌های کتیم مورد حمله قرار می‌گیرد و پس از آن به جنوب حمله می‌کند، این رخداد نه مانند نخستین است و نه مانند واپسین، زیرا از اینجا به بعد سقوط قدرت روم به تصویر کشیده می‌شود. چهار شیپور نخست از هفت شیپور مکاشفه که در فصل هشتم آمده‌اند، به طور مشخص چهار قدرت عمده‌ای را توصیف می‌کنند که سرانجام تا سال ۴۷۶ به کار روم غربی پایان دادند. رؤیا زمانی استوار می‌شود که غارتگران قوم تو خود را برافرازند و سقوط کنند. این رؤیای نبوی بر زمینه سقوط روم ترسیم می‌شود. روم بت‌پرست غربی از ۳۳۰ تا ۵۳۸ سقوط کرد. روم پاپی در ۱۷۹۸ سقوط کرد. در تاریخ شیپور پنجم و ششم، روم شرقی در ۱۴۵۳ به دست ترک‌های عثمانی سقوط کرد. آن سه سقوط بخشی از رؤیایی هستند که به وسیله غارتگران قوم تو استوار می‌شود.

آیه می‌گوید: «و نیز غارتگران قوم تو برای تحقق رؤیا خود را برافرازند، اما سقوط خواهند کرد.» از 31 پیش از میلاد تا 330، روم بت‌پرست در برتری خود بر جهان «خود را برافراشت». از 330 تا 538، روم بت‌پرست رو به افول رفت تا زمینه را فراهم کند که مرد گناه در معبد خدا بنشیند و خود را خدا بنامد. از 538 تا 1798، قدرت پاپی «خود را برافراشت» و در 1798 سقوط کرد. از 31 پیش از میلاد تا 330، روم غربی «می‌بالید» که مرکز امپراتوری روم است، و از 330 تا 476 سقوط کرد. در 330، کنستانتین شان قسطنطنیه را به عنوان مرکز روم شرقی «برافراشت» و در 1453 روم شرقی سقوط کرد. در هر یک از دوره‌های گوناگون روم، دوره‌ای هست که روم خود را برافرازد و پس از آن دوره‌ای که سقوطش را نشان می‌دهد، زیرا «غارتگران قوم تو برای تحقق رؤیا خود را برافرازند، اما سقوط خواهند کرد.»

واژه عبری‌ای که به «راهزنان» ترجمه شده، بهتر است به «شکنندگان» برگردانده شود، زیرا این برگردان با معنای اصلی ریشه — یعنی رخنه کردن یا برهم زدن — همخوانی نزدیک‌تری دارد تا با «راهزنان» به معنای دقیق کلمه (که بر دزدی دلالت دارد). این اصطلاح به کسانی اشاره دارد که مرزها، قوانین یا پیمان‌ها را می‌شکنند، نه فقط اموال را می‌دزدند. در نبوت کتاب مقدس، روم همان شکننده است، هرچند در آیه چهاردهم به صورت «راهزنان» ترجمه شده است. در باب دوم دانیال، روم پادشاهی آهنین است و سپس در باب هفتم، حیوان چهارم نیز روم است.

پس از این در رویاهای شب دیدم، و اینک حیوانی چهارم، هولناک و دهشت‌انگیز و بسیار نیرومند؛ و دندان‌های آهنین بزرگ داشت: بلعید و خرد کرد، و باقی‌مانده را با پاهای خود لگدمال کرد؛ و از همه حیواناتی که پیش از آن بودند متفاوت بود؛ و ده شاخ داشت. دانیال ۷:۷.

حیوان چهارم، که روم است، دندان‌های "آهنی" دارد، زیرا همان پادشاهی چهارم است که در باب دوم به صورت آهن نشان داده شده است. در آیه هفتم، حیوان چهارم روم "خرد می‌کند"، و هنگامی که خرد می‌کند "باقی‌مانده را با پاهای خود لگدمال می‌کند". حیوان روم همان پادشاهی آهنین است و ویژگی خرد کردن و لگدمال کردن باقی‌مانده نمایانگر عمل جفا است. جفایی که بر اسرائیل باستان وارد شد، یک "نشانه" بود.

و نیز همه این لعنت‌ها بر تو خواهد آمد، تو را تعقیب خواهد کرد و در تو خواهد افتاد تا نابود شوی؛ زیرا به صدای خداوند، خدای خود گوش فرا ندادی تا فرمان‌ها و فرایض او را که به تو امر کرده بود نگاه داری. و آنها بر تو برای نشانه و شگفتی خواهند بود و بر نسل تو تا ابد. از آن رو که در فراوانی همه چیز، خداوند، خدای خود را با شادمانی و خوشدلی دل خدمت نکردی؛ پس دشمنانی را که خداوند بر ضد تو خواهد فرستاد خدمت خواهی کرد، در گرسنگی و تشنگی و برهنگی و در کمبود همه چیز؛ و یوغی آهنین بر گردنت خواهد نهاد تا تو را نابود سازد. خداوند قومی را از دور، از انتهای زمین، چون عقابی که به تندی پرواز می‌کند، بر ضد تو خواهد آورد؛ قومی که زبانشان را نخواهی فهمید؛ قومی با چهره‌ای خشن که شخص پیر را ملاحظه نخواهد کرد و بر جوان ترحم نخواهد نمود. تثیبه 28:45-50.

لعنت‌هایی که به سبب سرکشی‌شان بر اسرائیل باستان آمد، «نشانه و شگفتی‌ای است و بر نسل تو تا ابد خواهد بود.» این لعنت قرار بود به دست «قومی با چهره‌ای خشن» بر آنان آورده شود. حیوانی با دندان‌های آهنین که در فصل هفتم «خرد می‌کند و باقیمانده را لگد مال می‌کند»، همان پادشاهی چهارم است که از تقسیم پادشاهی اسکندر برمی‌خیزد، و چنان‌که در تثیبه نزد موسی آمده، آن پادشاهی قومی است که اسرائیل باستان زبانش را نمی‌فهمید. پادشاهی روم در فصل هشتم دانیال، قومی با چهره‌ای خشن است و به زبانی دیگر سخن می‌گوید.

پس چون آن شکسته شد و به جای آن چهار تا برخاستند، چهار پادشاهی از میان آن قوم برخوانند خاست، اما نه با قدرت او. و در واپسین روزهای پادشاهی ایشان، چون خطاکاران به کمال خود برسند، پادشاهی با چهره‌ای خشن و فهمنده سخنان مبهم برخواند خاست. دانیال ۸:۲۲، ۲۳.

«غارگران (شکنندگان) قوم تو» رؤیا را تثبیت می‌کنند؛ خود را برمی‌افرازند و سقوط می‌کنند. چهارمین پادشاهی آهنین روم بت‌پرست بود که هنگام سربرافراشتن خویش به گونه‌ای مطلق حکمرانی می‌کرد، اما سقوط نهایی‌اش به ویژگی‌ای نبوی بدل شد که رؤیا را تثبیت می‌کند. آنان «شکنندگان» اند، زیرا قوم خدا را با جفا پایمال می‌کنند.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.